

تعیین انتساب چند شعر به شیخ بهایی

* جواد بشری

چکیده

سروده‌های شیخ بهایی از روزگار حیاتش مورد توجه بوده و برخی از آن‌ها در تذکره‌ها و منابع دیگر ثبت شده است. اما یکی از مصادر اصلی سروده‌های قطعی شیخ، آثار مسلم خود او، و از همه مهم‌تر کشکول است. بازسازی دیوان اشعار شیخ نیز که در دهه‌های اخیر چند مرتبه تجربه شده، به شیوه‌های غیرانتقادی بوده و قابل اعتنای چندانی نیست. اگر در تشخیص سروده‌های قطعی شیخ بهایی، کشکول را ملاک قرار دهیم، وضعیت برخی از این سرودها به بهترین شکل روشن، و به احتمال قوی از دایره اشعار شیخ خارج خواهد شد. اما مهم آن است که مراجعه به کشکول بهشیوه انتقادی و با بررسی نسخه‌های متعدد این کتاب باشد، زیرا هنوز تصحیحی علمی از این منع ارزشمند صورت نگرفته، از این رو، در شناسایی سروده‌های شیخ حتی در کشکول نیز، بایستی به دست نویس‌های کهنه از آن مراجعه کرد.

در پژوهش حاضر، برخی اشعار مشهور منسوب به شیخ بهایی، با این روش انتقادی بررسی، و انتساب آن‌ها به او تعیین شده است.

کلیدواژه‌ها: شیخ بهایی، کشکول، رباعی، تذکره، شعرشناسی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۳

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران / j.bashary@ut.ac.ir

مقدمه

شیخ بهاءالدین محمد جبل‌عاملی حارثی همدانی، مشهور به شیخ بهایی (ز. ۲۷ ذی‌حجه ۹۵۳ق، بعلبک - ۱۲ شوال ۱۰۳۰ق، اصفهان، مدفون در مشهد)، فرزند شیخ عزالدین حسین (۹۱۸-۹۸۴ق) فرزند عبدالصمد، یکی از تأثیرگذارترین عالمان ایران در اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری است. او برای مدت طولانی، صاحب یکی از مناصب مهم دینی در دربار صفویان و یک چند نیز «شیخ‌الاسلام» دستگاه شاه عباس اول (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸ق) بود و در شاخه‌های مختلفی از علوم دینی و جز آن، و نیز در تربیت علم‌آموزان در عهد خویش، تأثیر بسیار داشت.

شیخ بهایی بخشنده احوال شخصی خویش را در سروده‌هایی کوتاه به عربی و فارسی درج کرده و لحظات و تجربیات خاص روحی و اندیشه‌گی پربار خویش را به شکلی تأثیرگذار ثبت نموده است. در بسیاری از مراجع، تذكرة الشعراها و مأخذ تاریخی زمان حیات او و پس از آن، به وجه شاعری وی تصریح شده است (برای نمونه، نک. اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۱۴۹-۱۴۲؛ ۱۳۸۶: ۸۲۹-۸۲۳/۲؛ نوشاهی، ۱۳۶۸: ۱۳۶۸-۱۴۷/۱). از آن‌جا که هیچ نسخه تدوین شده معتبر و اصلی شامل همه مثنوی‌ها، غزل‌ها، رباعیات، مقطعات و مفردات فارسی شیخ به دست نیامده، همیشه درباره تعداد سروده‌های او به فارسی و عربی تردید وجود داشته است. کوتاه‌مانی پس از عهد شیخ، محمد رضا فرزند شیخ حرّ عاملی (د. ۱۱۰ق) به گردآوری اشعار وی پرداخت (الحرّ العاملی، ۱۳۸۵ق: ۱۵۷: «وَلَهُ شِعْرٌ كَثِيرٌ حَسَنٌ بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارَسِيَّةِ مُتَفَرِّقٌ، وَقَدْ جَمَعَهُ وَلَدِيٌّ مُحَمَّد رَضَا الْحَرّ فَصَارَ دِيوَانًا لطِيفًا»)، اما هیچ دست‌نویسی از این تدوین بر جای نمانده است. طبق نظر آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳ق: ۱۴۳/۹)، اقدام محمد رضا ظاهراً ناظر به سروده‌های عربی شیخ بوده است. در روزگار معاصر، کوشش‌هایی که منجر به تدوین مجموعه سروده‌های شیخ باشد، کم نبوده، و البته هیچ یک را نمی‌توان چاپ انتقادی بی‌نقضی به شمار آورد. جدا از چاپ‌های سنگی فراوانی که از منظومه «نان و حلوا» و گاه همراه با برخی دیگر از اشعار شیخ در زمان رواج چاپ

سنگی و چاپ سربی در بلاد اسلامی عرضه می‌شده (برای نمونه، نک. مشار، ۱۳۵۰؛ ۵۱۵۱/۵-۵۱۵۲؛ نوشاهی، ۱۳۶۵/۱؛ همو، ۱۳۶۹/۲؛ ۱۲۶۲؛ صدرایی خویی و حافظیان بابلی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۴؛ ۱۳۱۶)، در ۱۳۱۶ش، برای نخستین بار سعید نفیسی در کتابی با عنوان «احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی»، شماری از سرودهای او را که از منابع گردآوری کرده بود منتشر کرد (نفیسی، ۱۳۱۶). همچنین، غلامحسین جواهری در چاپی که شاید از فراگیرترین مجموعه‌ها از اشعار فارسی شیخ بهایی باشد، احتمالاً در دهه پنجاه خورشیدی، بر اساس کشکول شیخ بهایی و نیز دست‌نویسی از یک جنگ خطی متأخر حاوی سرودهای متعددی منسوب به شیخ (که برادر صاحب روضات الجنات آن را در ۱۲۴۵ کتابت کرده است)، توانست آنچه از اشعار اصیل و غیر اصیل منسوب به شیخ بهایی یافته بود به چاپ برساند. ظاهراً در دهه هفتاد خورشیدی (شاید سال ۱۳۷۳) بود که چاپی با عنوان «کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی» با تجدید حروف چینی کتابچه سعید نفیسی به عنوان مقدمه اثر، و با حجمی‌تر کردن رباعیات منسوب به شیخ، توسط نشر چکامه به بازار آمد و از آن پس نیز چند بار در شمارگان بالا تجدید طبع شد. مصحح سومین طبع این اثر، علی کاتبی معروفی شده و در پژوهش حاضر دو بار به آن استناد شده است (نک. بهاءالدین محمد بن حسین جبل عاملی، بی‌تا). اغلب سرودهای منسوب به شیخ در فضای مجازی (مثلًاً در سایت «گنجر» و سایت‌های دیگر) از روی این چاپ – که ظاهراً در دسترس‌ترین نسخه چاپی اشعار شیخ بهایی در سال‌های اخیر بوده است – گرفته شده و به همین علت، اشعار غیراصیل فراوانی در فضای مجازی به نام شیخ نشر شده است. پرداختن به همه اشکالات موجود در دیوان‌های غیرانتقادی چاپ نفیسی، جواهری و چاپ نشر «چکامه»، و حضور اشعار و آثار منثوری که به هیچ وجه از شیخ بهایی نیست، مجال وسیع‌تری می‌طلبد؛ اما درباره روش‌شناسی پژوهش‌های مزبور، دست‌کم می‌توان به منبعی که بی‌شك یکی از مصادر ایشان بوده، یعنی کشکول خود شیخ بهایی، با دیدی انتقادی نگریست و از این طریق، وضعیت شماری از اشعار دیگران را که به دیوان شیخ بهایی راه یافته، روشن کرد. این اشعار، در چاپ‌های بازاری پس از نفیسی، جواهری و چکامه، اغلب تحت تأثیر یکی

از این چاپ‌ها، بارها بازنشر شده و گاه چنان شهرتی یافته که رد انتساب برخی از آن‌ها به شیخ بهایی ممکن است شگفت‌بنماید.

در این پژوهش، چند دست‌نویس کشکول که همه در سده یازدهم هجری کتابت شده‌اند، و همچنین چاپی مشهور و پر مراجعه از آن که به صورت طبع سنگی عرضه شده و به چاپ «نجم الدوله»، ۱۲۹۶ق، شهرت دارد (نک. بهاءالدین محمد بن حسین جبل عاملی، ۱۲۹۶ق در منابع) مبنای بررسی قرار گرفته است. در واقع هدف از این نگارش آن است که برخی اشعار موجود در چاپ‌های جواهری و چکامه، به عنوان پرمخاطب‌ترین دیوان‌های شعر فارسی شیخ بهایی، در نسخه‌های کشکول بررسی و عناوین ثبت شده پیش از هر شعر صحّت‌سنگی شود. با چنین جستجویی روش خواهد شد که برخی از این سرودها بی‌شک از سرایندگان دیگری است و شیخ در کشکول آن‌ها را به نام سرایندگان اصلی هر شعر ثبت کرده است. تصرف کاتبان کشکول، یا برداشت نادرست مخاطبان این اثر بوده است که باعث شده که انتساب برخی شعرها به سرایندگان اصلی‌شان دستخوش ابهام و خدشه شود.

کشکول و ارزش آن در بازسازی دیوان فارسی شیخ بهایی

منقولات متعددی از مثنوی «نان و حلوا»، سروده شیخ بهایی، در کشکول او وجود دارد. همچنین متن مثنوی «شیر و شکر» و بسیاری از غزلیات، رباعیات و متفرقات شیخ در کشکول ثبت شده و لازم است در تصحیح انتقادی بخش‌های مزبور، به این منبع به‌طور ویژه توجه شود. در واقع، از سرودهای قطعی شیخ در قالب رباعی، غزل، فرد، مثنوی‌های کوتاه و قطعه، ۴۲ شعر در کشکول ضبط شده، که برخی از آن‌ها در دو یا سه موضع تکرار شده است. به عبارت دقیق‌تر، این ۴۲ شعر در ۴۵ موضع از کشکول نقل شده است. از سویی نیز می‌دانیم که هنوز تصحیح علمی و روشنمندی از کشکول عرضه نشده تا با اطمینان بتوان به آن مراجعه کرد. بنابراین، تصویر چهار دست‌نویس اصیل از کشکول تهییه شد تا با استفاده از آن‌ها، نوعی اجماع در مراجعه به اشعار فارسی موجود در این منبع

حاصل و در بررسی اشعار فارسی شیخ مفید واقع شود. همچنین، یک نسخه چاپ سنگی ارزنده که در بسیاری از مطالعات شعرشناسی سال‌های اخیر مورد مراجعه قرار گرفته، در کنار این دستنویس‌های چهارگانه، مبنای بررسی بوده است:

- «کشکول‌س»: چاپ سنگی نجم‌الدوله، اتمام طبع در ۱۲۹۶ق، که خود به مثابه یک نسخه خطی مضبوط و نسبتاً اصیل از کشکول کارآیی دارد.

- «کشکول۱»: نسخه خطی کتابخانه مجلس سنا به شماره ۸۶۷ سنا مورخ ۱۰۵۸ق که کاتب آن در پایان چنین رقم زده است:

وافق الفراغ من توسيد هذه الأوراق وتحريير هذه النسخة المباركة يوم الأربعاء غرة شهر رجب المرجّب سنه ثمان وخمسون وألف الهجري بقلم العبد الفقير المحتاج الى عفو ربّه الغنى عبدالله بن سلام الله الجنيدى عفى الله عنهمما وعن المؤمنين بمحمد النبي خير الورى وعلى الولى صدر الأوصياء صلوات الله عليهما وعلى الأئمة الهدى وذلك بدار العلم شيراز صينت عن الاعواز والحمد لله أولاً وآخرأ، تم.

لازال يعلو وقوده دائمًا
إلى العلا صاحب هذا الكتاب
ما غرّدت ورقاء فى دوحة
وأضحك الروض بكاء السحاب

این نسخه از نسخه‌هایی است که در شیراز، و شاید به دست یکی از اخلف خاندان جنید شیرازی، صاحب شدّ الإزار فی حظّ الأذار عَنْ رُوّار المزار، کتابت شده است (نک. دانشپژوه - انواری، ۱۳۵۹: ۷۹).

- «کشکول۲»: نسخه شماره ۷۳۷۶ کتابخانه مجلس که تاریخ کتابتش در فهرست کتابخانه، به اشتباہ ۱۰۰۶ق دانسته شده، در حالی که این تاریخ مربوط به عددی مورد تردید در انتهای نسخه است که قسمت‌هایی از آن ریختنگی دارد. همین ریختنگی در رقم مزبور، باعث بدخوانی شده و لذا، در فهرست کتابخانه تاریخ ۱۰۰۶ق برای این نسخه ثبت شده است. برای رسیدن به تاریخ واقعی، لازم است یا همین رقم را با ابزارهای پیشرفت‌های بازبینی کنیم و یا قرائن دیگری را در خود نسخه جستجو نماییم. پس از بررسی تمام صفحات دستنویس، روشن شد که در پایان مجلد اول در برگ ۹۴ر، باز هم رقم کاتب و تاریخ کتابت به صورت «ستین بعد الالف» (= ۱۰۶۰ق) به چشم می‌خورد، و این تاریخ درست کتابت دستنویس است.

- «کشکول ۳»: نسخه ارزنده و مضبوط دانشگاه تهران بهشماره ۱۳۳ (جزو نسخه‌های اهدائی سید محمد مشکوک) که طبق ادعای فهرست‌نگار مجلدی از فهرست‌های دانشگاه، احتمالاً در عصر حیات شیخ (منزوی، ۱۳۳۲، ۱۷۱/۲-۱۷۵)، و شاید به حدس قابل پذیرش‌تر،حوالی نیمة سده یازدهم کتابت شده باشد. عربیات این نسخه به خط نسخ و مطالب فارسی آن به نستعلیق کتابت شده، عنوان‌ها به شنگرف است و نسخه دارای عناصر زیبی است.

- «کشکول ۴»: نسخه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بهشماره ۴۵۸ (فاضل، ۱۳۵۵: ۲۳۱/۱-۲۳۲) که پیش از این در تملک مرحوم عبدالحمید مولوی، مجموعه‌دار دانشمند خراسانی قرار داشته و پیش از او نیز در کتابخانه فرهادمیرزا، فرزند فاضل و کتاب‌شناس عباس‌میرزا و نوه فتحعلی‌شاه قاجار، بوده است. این دست‌نویس خوش خط و خوانا که قرابت و شباهتی، دست‌کم در ضبط‌های مثنوی «نان و حلوا» با چاپ‌سنگی نجم‌الدوله («کشکول‌س») دارد، مصوع‌ها و بیت‌ها را از پی هم و بدون در نظر گرفتن مسطربندی خاصی برای ابیات (مثلاً دوستونی یا چلیپایی) ثبت کرده است. تاریخ کتابت مجلد اول این نسخه در بگ ۹۸ پ، ۱۰۶۵ ثبت و باقی مجلدات نیز در همان حوالی و به دست همان کاتب استنساخ شده است. رقم پایانی مجلد اول چنین است:

هذا آخر ما وَجِدَ من المجلد الأول من الكشكول ويتلوه المجلد الثاني، والحمد لله وحده و صلى الله على من لا نبيٌّ بعده محمد و آله و حزبه، في تاريخ ثامن العشر الأول من الشهر التاسع من العام الخامس من العشر السابع من المائة الأولى من الألف الثاني من الهجرة، و السلام على كاتبه بمحمد و آله.

مقایسه مجدد برخی اشعار شیخ بهایی بر اساس کشکول

با تتبّع دقیق و مقایسه شماری از اشعاری که شیخ آن‌ها را در تحریرهای مختلفی از کشکول خویش به نام دیگران ثبت کرده، می‌توان به‌سادگی و با قطعیت آن‌ها را از دایرة سروده‌های خود او بیرون برد. در واقع، توجه انتقادی به دست‌نویس‌های کشکول، وضعیت این اشعار را - که شاید تا پیش از این درباره انتساب آن‌ها به شیخ تردیدهایی وجود داشت - تا حد زیادی روشن می‌کند. سروده‌هایی که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، با همین نگاه انتقادی بررسی و انتساب آن‌ها به شیخ بهایی تعیین شده است.

خوکرد^۱ به خلوت دل غم‌فرسایم
کوتاه شد از صحبت هر کس پایم
چون تهایم همنفسم یاد کسیست
چون همنفس^۲ کسی شوم^۳ تهایم

این رباعی در «کشکول ۲» (ص ۱۰۵) عنوان «لکاتبه» گرفته، ولی در چهار دستنویس دیگر (کشکول س: ۸۵؛ کشکول ۱: ۴۵؛ کشکول ۳: ۴۲؛ کشکول ۴: ۵۴) به نام قاسم بیگ حالتی، شاعر سده دهم و یازدهم هجری، پس از یک رباعی دیگر از این شاعر و با عنوان «وله» ثبت شده است. می‌توان فرض کرد که شیخ در ایام حضورش در قزوین حتی اواخر عمر حالتی را نیز درک کرده است. بنابراین عنوان «کشکول ۲» در این مورد قطعاً خطاست. رباعی مذبور در دستنویسی معتبر و نسبتاً قدیم (از سده یازدهم هجری) از دیوان حالتی یافت می‌شود (حالتی ترکمان، قرن ۱۱ق: ۹۴پ)^۴ و خود مؤیدی بر انتساب آن به شاعر ترکمان تواند بود. همچنین، حاجی‌بابا قزوینی، شاگرد شیخ بهایی (درباره او، نک. بشری، ۱۳۹۳: ۵۸۵-۶۰۶) آن را در مجموعه کشکول مانند خویش به نام همین شاعر و با عنوان «قاسم» (در متن) و «قاسم‌بیک حالتی» (در حاشیه) آورده است (قزوینی، ۱۳۰۰ق: ۱۰۱). نیز بیت دوم

۱. کشکول ۳: کرده.

۲. کشکول ۴: همنفسی.

۳. کشکول ۳: همنفسم کسی بود.

۴. نسخه‌هایی که عجالتاً از آن می‌شناسم عبارتند از: دست‌نویس شماره ۱۰۰۵ کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی موتخر ۱۰۳۲ق در ۱۲۷برگ (منزوی، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۰۸/۲؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۱۲۵/۵) دست‌نویس دیگری که در منبع اخیر معزوفی شده، فقط حاوی یک قصیده از شاعر در یک مجموعه/ جنگ خطی است؛ دست‌نویس مدینه منوره موتخر ۱۱۶۵ق (منزوی، ۱۳۵۰: ۲۲۹۲/۳)؛ دست‌نویس کتابخانه ملی، بی‌تاریخ و احتمالاً از سده یازدهم هجری (نک. حالتی ترکمان، قرن ۱۱ق)؛ منتخبی که تئی‌الدین ذکری کاشانی از اشعار حالتی در خلاصة الاشعار خود آورده است (میرتئی‌الدین کاشانی، ۱۰۱۳ق: ۲۰۳-۲۱۳)، و البته رباعی مورد گفتگو را در آن نیافتم. جز این، محتمل است شماری از او سروده‌هایی در منابع سفینه‌ای و مجموعه‌های پس از قرن یازدهم هجری قابل بازیابی باشد. به گزارش سایت کتابخانه ملی، این دیوان در ۱۳۸۹ توسط خانم ریحانه کاظمی به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد، واحد نجف‌آباد، تصحیح شده است. از تصاویر صفحاتی از ابتدای این پایان‌نامه که در سایت کتابخانه ملی قابل رویت است، برمی‌آید که در این تصحیح، ظاهراً به دو نسخه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه ملی مراجعه شده است.

این رباعی در مجموعه ادhem عزلتی خلخالی (۱۰۵۲ق)، شاگرد شیخ بهایی، بدون عنوان و نام شاعر آمده است (ادhem خلخالی، ۱۳۷۰: ۲۶). با این حساب، لازم است رباعی پیش گفته را که در پژوهش جواهری (بی‌تا: ۸۸) و سایر چاپ‌های بازاری دیوان شیخ وارد شده و در منابع اینترنتی نیز نقل می‌شود، از پیکره سروده‌های او کنار بگذاریم.

- اورا که دل^۱ از عشق مشوّش باشد هر قصه که گوید همه دلکش باشد
تو قصه عاشقان همی کم شنوی بشنو بشنو که قصه‌شان خوش باشد

این رباعی که در نسخه‌های کشکول بلافصله پس از بیت فرد «قص کرمست آنکه قدرش/ در حوصله امید گنجد»، از سروده‌های قطعی شیخ بهایی، و با عنوان «رباعی» آمده (کشکول‌س، ص ۱۲۵ با عنوان اشتباه «اهلی [!]»؛ کشکول ۱، گ ۶۸ پ؛ کشکول ۲، ص ۱۵۶؛ کشکول ۳، گ ۶۱ پ؛ کشکول ۴، گ ۸۲ ر)، به هیچ وجه از شیخ نیست، هرچند در چاپ‌های غیرانتقادی به نام او ثبت شده (جواهری، بی‌تا: ۸۴) و انتساب آن احتمالاً با استناد به کشکول و متوالی شدن بیت فرد پیش گفته و رباعی حاضر روی داده است. رد انتساب این شعر به شیخ بهایی زمانی امکان‌پذیر است که بدanim نجم الدین دایه رازی آن را در اوایل سده هفتم هجری در دیباچه مرصاد العباد (نجم رازی، ۱۳۶۵: ۱۱). نیز نک. صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵: ۳۹۱/۱) نقل کرده است (مرصاد به جای «اورا»، «آن را» و به جای «مشوّش»، «پر آتش» دارد). در چنین شرایطی در زدودن این رباعی از سروده‌های شیخ بهایی جای تردیدی باقی نمی‌ماند.

- ای برده به چین زلف، تاب دل من وی کشته به سحر غمزه خواب دل من
در خواب مده رَهَم^۲ به خاطر که مباد بیدار شوی ز اضطراب دل من

این رباعی در دو نسخه کشکول ۲ و کشکول ۳ اصلاً وجود ندارد و سه نسخه کشکول‌س (ص ۳۱۵)، کشکول ۱ (گ ۱۷۸ ر) و کشکول ۴ (گ ۲۱۲ پ) هم که آن را دارد، با عنوان‌هایی گمراه‌کننده همراه است. به این معنا که در کشکول‌س و کشکول ۴ بیت مذکور عنوان

۱. کشکول ۱، کشکول ۲: آنکو دلش.

۲. کشکول‌س: وهم. در کشکول ۴، این واژه نیست و بعداً با قلم دیگری کلمه «وهم» بالای مصروف افزوده شده است.

«لکاتبه» دارد و فقط در کشکول^۱ عنوان درست «ولی» دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که کاتبان نسخه‌های کشکول‌س و کشکول^۴ و یا مادرننسخه‌های آن‌ها، «ولی» (تخلص ولی دشت‌بیاضی) را «ولی [= و از آن من است]» خوانده و پس از دستکاری در عنوان شعر، آن را به نام شیخ ضبط کرده‌اند. رباعی مورد بحث، بر اساس هفت نسخه معتبر^۱ دیوان ولی دشت‌بیاضی، به نام او ثبت شده (ولی دشت‌بیاضی، ۱۳۸۹: ۴۱۰) و به احتمال قریب به یقین، از اوست.^۲

- زاهد نکند گنه که قهاری تو ماغرق گناهیم که غفاری تو
او قهارت خواهد و ماغفارت آیا به کدام نام خوش داری تو

این رباعی در تمام نسخه‌های مورد مراجعه، بدون عنوان آمده، ولی از آن‌جا که شیخ آن را هنگام عرضه مطلبی از خود نقل کرده (کشکول‌س: ص ۳۴۷؛ کشکول^۱: گ ۲۰ ب؛ کشکول^۳: گ ۱۵۶ پ؛ کشکول^۴: گ ۲۳۴ ر. کشکول^۲: بیت را ندارد)، انتساب شعر به وی محملي یافته است؛ چنان‌که بعضًا به نام او ثبت هم شده است (بهاءالدین محمد بن حسین جبل‌عاملی، بی‌تا: ۱۴۱). گوینده این رباعی، در واقع رفیع‌الدین حیدر معماوی کاشانی متخلص به «رفیعی»، معاصر تقی‌الدین ذکری کاشانی و از سرایندگان ماهر در انواع شعر، بهویژه در فنّ معما و ماده‌تاریخ، بوده است (میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۱). جالب است که نسخه کشکول^۳ هم این رباعی را به شاعر اصلی آن منتسب کرده، ذیل این عنوان: «لمیر حیدر معماوی». آیا این عنوان درست، کشف کاتب نسخه مزبور یا مادرننسخه آن بوده، یا این‌که شیخ بعدها سرایندۀ آن را شناخته و خود در تحریرهای نهایی کشکول وارد کرده است؟ به هر حال، منابع متعددی رباعی مذکور را به نام شاعر کاشانی آورده‌اند، از جمله: تقی کاشی، همشهری و معاصر شاعر (میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۴: ۵۰).

۱. اشعار متعددی از ولی دشت‌بیاضی با عنوان «ولی» در کشکول شیخ هست که نشان می‌دهد شیخ با آن‌ها آشنایی داشته است. برای نمونه می‌توان به اشعار ثبت‌شده در این صفحات اشاره کرد: کشکول‌س: ۴۳۴ (ولی دشت‌بیاضی، ۱۳۸۹: ۲۴۸)، ۴۴۱ (همو: ۲۶۸)، ۵۳۱ (همو: ۳۲۴) و ۵۱۵ (رباعی نویافت‌های از ولی دشت‌بیاضی).

تقی الدین اوحدی بلياني، تذکره‌نويس معاصر او (اوحدی حسيني، ۱۳۸۹: ۱۲۶۴/۲)؛ اسكندربيگ تركمان، مؤرخ معاصر ميرحيدر که تنها شعری را که از او آورده، همین رباعی مشهور اوست (اسكندربيگ تركمان، ۱۳۸۲: ۱۸۲/۱)؛ واله اصفهاني (۱۳۷۲: ۴۷۸)؛ بداونی (۱۳۷۹: ۱۶۱/۳)؛ امين احمد رازی (۱۳۷۸: ۱۰۳۰/۲)؛ واله داغستانی (۱۳۸۴: ۸۳۰/۲). بنابراین، رباعی فوق قطعاً از شیخ بهایی نیست.

- رندان گاهی ملک جهان می‌بازند گاهی به نگاهی دل و جان می‌بازند
این طور قمار را نه چندست و نه چون هر طور برآید آن چنان می‌بازند

این رباعی هم دقیقاً در ادامه رباعی پیشین در کشکول قرار دارد و جز کشکول ۳ که ذیل عنوان نادرست «وله» آمده، سایر دست‌نویس‌های مورد مراجعه عنوانی برای آن ندارند. با این‌که برخی منابع این رباعی را به نام شیخ نقل کرده‌اند (بهاءالدین محمد بن حسین جبل عاملی، بی‌تا: ۱۳۶)، اما سراپاینده آن به احتمال قوی بايستی میرزا ابراهیم اصفهانی (۹۸۹ق)، صاحب فرهنگ میرزا ابراهیم (تلخیصی از شرفنامه مَنَیری اثر ابراهیم قوام فاروقی)^۱ باشد، زیرا منابع متعددی آن را به نام او ثبت کرده‌اند (میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۸۶؛ اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۵۵۹؛ امين احمد رازی، ۱۳۷۸: ۹۵۰/۲. نیز نک. شاهدی علی آباد، ۱۳۸۴: ۳۳۹، که در آن تنها به تذکرة امين احمد رازی مراجعه شده است). اوحدی بلياني با این‌که یک بار این رباعی را به نام میرزا ابراهیم نقل کرده، بار دیگر آن را متعلق به پدر او، میرزا شاه‌حسین اصفهانی، وزیر شاه اسماعیل صفوی دانسته و توضیح داده که او به «قمارباز» مشهور بوده است (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۴/۹۵-۲۰۹۶). آیا احتمال دارد که رباعی مذبور - که در آن از بازی قمار سخن رفته - به میرزا شاه‌حسین اصفهانی، و نه پسر او، منسوب باشد؟ هر چه هست، شعر مورد بحث را باید از شیخ بهایی دانست.

۱. در این باره نک. صفا، ۱۳۶۹: ۳۷۵/۵؛ ۳۷۶-۳۷۵؛ بتکن، ۱۳۶۸: ۴۱۰-۴۰۹؛ دبیرسیاقی، ۱۳۷۵: ۹۵-۸۶؛ مهدوی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۶؛ شاهدی علی آباد، ۱۳۸۴: ۳۳۷-۳۶۰؛ بشري، ۱۳۸۶: ۸۰-۷۹.

- در بزم تو ای شوخ^۱ منم زار و اسیر
در کشتن من هیچ نداری تقصیر
با غیر سخن کنی که از رشک بسوز
سویم نکنی نگه که از غصه بمیر
(کشکول‌س: ص۳۷۱؛ کشکول۱: گ۲۲۹پ؛ کشکول۲: چ۴۳۴؛ کشکول۳: گ۱۸۵؛ کشکول۴: ۲۶۸ر).

این رباعی در تذکرة ریاض الشعرا (۱۱۶۱) (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۹۴/۱) همو، ۱۳۹۱: ۲۷۱/۱) و تذکرة مخزن الغرائب (۱۲۱۸) (هاشمی سندیلوی، ۱۹۶۸: ۳۴۱/۱) نیز به نام شیخ ثبت شده است. توالی این رباعی و رباعی بعد در دو منبع اخیر، نشان می‌دهد که به احتمال بسیار واله داغستانی، و به تبع او هاشمی، آن را بر اساس نسخه‌ای از کشکول – که مشکل دو نسخه کشکول‌س و کشکول۲ را داشته – به شیخ منتسب کرده‌اند. این رباعی را چاپ‌های غیرانتقادی دیوان به نام شیخ آورده‌اند (فیضی، ۱۳۱۶: ۱۴۳؛ جواهری، بی‌تا: ۸۶). درباره سراینده حقیقی رباعی مزبور، ابتدا باید اشاره کرد که در کشکول‌س و کشکول۲ عنوان «لکاتبه» به این رباعی داده شده، ولی در کشکول۱، کشکول۳ و کشکول۴ عنوان «شیخ رباعی» دارد، که مراد به احتمال بسیار درویش مقصود تیرگر هروی مشهدی (د. ۹۷۷) معروف به «شیخ رباعی» است (درباره او، نک. میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۰۱۳: ۴۶۱-۴۶۸؛ گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۲۹۵-۲۹۸؛ فکری، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹) که از اقران سید محمد جامه‌باف مشهدی متخلص به «فکری» و مشهور به «میر رباعی» (د. ۹۷۳) بوده است. این رباعی اگرچه جزو ۵۶ رباعی‌ای که میرتقی‌الدین کاشانی (۱۰۱۳: ۴۶۱-۴۶۸) از او نقل کرده و در میان منقولات موجود در تذکرة اوحدی بليانی از او (وحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱۵۹-۲۱۶۳) به نام درویش مقصود دیده نمی‌شود، نمی‌توان بهیقین انتساب آن را به او رد کرد، زیرا مجموعه‌ای جامع و مدقون از رباعیات «شیخ رباعی» در دست نیست؛ و از طرفی، ضبط سه نسخه مضبوط قرن یازدهمی از کشکول حاکی از آن است که شیخ بهایی آن را به نام این «شیخ رباعی» شنیده یا دیده بوده و بر همان اساس در کتابش ثبت کرده است. اگر چنین باشد، این انتساب قرن یازدهمی را

۱. کشکول‌س: شمع؛ متن = هر چهار نسخه دیگر کشکول، تذکرة ریاض الشعرا، تذکرة مخزن الغرائب.

نمی‌توان نادیده گرفت.^۱ درباره گرهی که در انتساب رباعی اخیر به شیخ در دو نسخه کشکولس و کشکول^۲ وجود دارد، می‌توان احتمال داد که یکی از کاتبان کشکول که با لقب «شیخ رباعی» آشنایی نداشته، آن را به صورت «شیخ [=شیخ بهایی]؛ رباعی» خوانده و پس از تصرف او، این عنوان بعدها به «لکاتبه» تحریف شده است.

- رویت که زباده لاله می‌روید ازو وزتاب شراب ژاله می‌روید ازو
دستی که پیاله‌ای ز دست تو گرفت گر خاک شود، پیاله می‌روید ازو
این رباعی در تذکرة ریاض الشعرا (۱۱۶۱ق) (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۹۴/۱؛ همو، ۱۳۹۱: ۲۷۱/۱)، تذکرة آتشکده (۱۱۹۳ق) (آذر، ۱۳۴۰-۱۳۳۹: ۹۲۷/۳) و تذکرة مخزن الغرائب (۱۲۱۸ق) (هاشمی سندیلوی، ۱۹۶۸: ۳۴۱/۱) به نام شیخ بهایی آمده است. چنان‌که ذیل رباعی پیشین («در بزم تو ای شوخ منم زار و اسیر») گفته شد، می‌توان احتمال داد که واله این دو رباعی را از روی نسخه‌ای از کشکول که مشکل نسخه‌های کشکولس و کشکول^۲ را داشته، از شیخ دانسته است. مأخذ آذر و هاشمی نیز در این مورد می‌تواند تذکرة واله و یا نسخه‌ای با مشخصاتی مشابه از همان کشکول باشد. رباعی مورد بررسی، که مضمونی شادخوارانه و مغایر با فکر و ذوق شیخ بهایی دارد، در کشکول بلافصله پس از رباعی «در بزم تو ای شوخ منم زار و اسیر» (که پیش‌تر از آن سخن رفت) قرار گرفته است. از آنجا که

۱. می‌شود فرض کرد که شیخ در ایام اقامتش در هرات و یا سفرهایش به این شهر و یا مشهد، رباعی مزبور را به نام «شیخ رباعی» شنیده و آن را در کشکول ثبت کرده است. مأخذ او در این انتساب می‌توانسته شفاہی باشد. ما در این پژوهش، می‌توانیم فقط به این نتیجه بسنده کنیم که شیخ بهایی این رباعی را متعلق به شیخ رباعی دانسته است، نه این‌که تعیین کیم که رباعی قطعاً متعلق به «شیخ رباعی» هست یا نه، زیرا چنان‌که میرافضلي نشان داده است، حدود نیمی از رباعیات منسوب به این فرد، معارض جدی دارد (فکری، ۱۳۸۹: ۲۹). در بررسی‌های بعدی، این رباعی در نسخه‌ای از تذکرة مذکر احباب، به نام میراسدالله اصفهانی یافت شد (نوشاھی، ۱۳۸۱: ۴۴۵)، و چه بسا که از او باشد. تئی کاشی هم در ذیلی که برای خلاصه الاعشار خویش تدارک دیده، آن را به نام همین «میراسدالله خلیفة صفاہانی» نقل کرده است (نک. میرافضلي، ۱۳۹۹ [زیر چاپ]: رباعی شماره ۳).

درباره این رباعی، نیز نک. نفیسی، ۱۳۳۴: ۴۷، که فقط شامل رباعیاتی است که در طول قرن‌ها اشتباهاً به نام بوسید شهرت یافته است (میرافضلي، ۱۳۷۷: ۴۹).

چاپ‌سنگی کشکول‌س آن را بدون عنوان ثبت کرده و با توجه به این که رباعی پیش از آن، به تصور دست‌اندرکاران چاپ‌های غیرانتقادی دیوان شیخ، متعلق به او پنداشته می‌شده، این رباعی نیز به دیوان بازسازی شده شیخ راه یافته است (جواهری، بی‌تا: ۹۰). جالب آن که این شعر در هر چهار نسخه مورد مراجعه در این پژوهش، عنوان «سلطان حسین میرزا» دارد. با این حساب بی‌عنوان بودن آن در کشکول‌س، یا خطای مصحح چاپ‌سنگی، و یا اشکال مادرنسخه او شمرده می‌شود. اسکندریگ ترکمان (۱۳۸۲/۱۲۶) و صادقی کتابدار افشار (۱۳۲۷: ۲۶) در اوایل سده یازدهم هجری، این رباعی را متعلق به حسن‌میرزا صفوی، فرزند محمد بن شاه طهماسب اول صفوی، و برادر ارشد شاه عباس اول، دانسته‌اند (نیز، نک. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷/۱: ۸۳۰؛ هدایت، ۱۳۳۶/۱: ۳۷-۳۸). قابل یادآوری است که در همان قرن یازدهم هجری، اوحدی بلیانی، و چندین دهه بعد واله داغستانی به پیروی از بلیانی، بهجای انتساب این رباعی به شاهزاده صفوی، آن را به نام سلطان حسین باقراء آورده‌اند (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹/۲: ۱۱۶۷؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴/۱: ۵۶۰-۵۶۱). در این میان، به نظر می‌آید که شیخ بهایی طرفدار انتساب رباعی به سلطان حسین باقراء بوده است، زیرا عنوان رباعی در کشکول، سلطان «حسین» (ونه «حسن») است. رباعی سرگردان مورد بحث، در نسخه نسبتاً مضبوط دیوان قاسم‌بیگ حالتی هم به نام او آمده (حالتی ترکمان، قرن ۱۱ق: ۱۰۴)، و این مسئله را پیچیده‌تر می‌کند.

- جانی دگر^۱ نماند که سوم ز دیدنت رخساره در نقاب برای^۲ چه می‌کنی این بیت فرد نیز در دیوان‌های غیرانتقادی شیخ (نفیسی، ۱۳۱۶: ۱۳۷؛ جواهری، بی‌تا: ۷۶) دیده می‌شود، زیرا در نسخه چاپ‌سنگی کشکول («کشکول‌س») در ادامه شعر پیشین، بدون هیچ توضیح و عنوانی، ثبت شده و به همین سبب آن را از شیخ پنداشته‌اند. اما پس از مقایسه کشکول‌س با سایر دست‌نویس‌های معتبر کشکول، معلوم شد که ثبت نکردن عنوان درست شعر، احتمالاً از سوی نجم‌الدوله، مصحح چاپ‌سنگی، این بار هم، مانند شعر

۱. کشکول‌س: دیگر [کذا]. متن = چهار نسخه دیگر کشکول.

۲. کشکول‌س و کشکول: ز بهر.

پیشین، مشکل‌ساز شده است، زیرا این بیت در هر چهار نسخه کشکول، عنوان «لوالدته» (مادر سلطان حسین میرزا) دارد و نمی‌تواند از شیخ بهایی باشد.

- بسی حجابتانه درآ از در کاشانه ما که کسی نیست به جز درد تو در خانه ما
این بیت فرد یا مطلع غزل هم در ادامه شعر پیشین در همان موضع از کشکول قرار دارد و از آنجا که نسخه کشکول س آن را بدون عنوان ثبت کرده، به چاپ‌های غیرانتقادی دیوان شیخ نیز راه یافته است؛ در حالی که، با مراجعه به چهار نسخه خطی از کشکول، مشخص می‌شود که این شعر نیز عنوان «ولها» دارد و بایستی متعلق به همان مادر سلطان حسین میرزا باشد. گفتنی است انتساب این بیت به صبحی جغتایی، از شاعران سده دهم هجری، نیز در برخی منابع مطرح بوده است (نک. بدلونی، ۱۳۷۹: ۱۷۶/۳؛ بندرابن داس خوشگو، ۱۳۸۹: ۴۵۰؛ و سایر منابعی که در خیامپور، ۱۳۷۲: ۵۵۰/۲ ذیل مدخل «صبحی هروی جغتایی» معروفی گردیده است). اتفاق نظری که درباره محل سرایش این بیت می‌توان داشت این است که سراینده‌ای از حوزه ولایت هرات آن را در سده نهم یا دهم هجری سروده، و به هیچ وجه از شیخ بهایی نیست.

نتیجه

سروده‌های کوتاه و لطیفی که از شیخ بهایی باقی مانده، پس از او و در طول زمان چنان شهرتی یافته و شخصیت ادبی ویژه‌ای برای اوی ایجاد کرده که او نیز مانند برخی شخصیت‌های بزرگ معنوی و سراینده‌گان اشعار کوتاه، مانند ابوسعید ابوالخیر، خیام و بابا‌فضل کاشانی، سراینده اشعاری تصور شده که مطلقاً از او نیست. زدودن اشعار منسوب و غیرواقعی از سروده‌های اصیل شیخ بهایی باید در چند مرحله صورت گیرد. یکی مراجعه به آثار قطعی خود شیخ است که می‌توان از طریق آن برخی از سروده‌های حقیقی او را بازیابی کرد. اما در مراجعه به یکی از این آثار، یعنی کشکول، با مشکل بزرگی مواجه می‌شویم و آن این که نسخه‌های کشکول در طول زمان، دچار دخل و تصرف شده و برخی از چاپ‌های مشهور آن نیز از این تصرفات برکنار نمانده است. از این رو، به هنگام بررسی این مهم‌ترین مأخذ سروده‌های شیخ، بایستی به طریق انتقادی و با مقایسه چند دست‌نویس

اصیل پیش رفت تا در نهایت بتوان سرایندگان حقیقی برخی از سروده‌های غیراصیل و منتبه به شیخ را شناسایی نمود و آن اشعار را به صاحبان اصلی شان بازگرداند. در این پژوهش، با چنین هدفی و به طریقی که اشاره شد، سرایندۀ واقعی چند شعر شناسایی و نسبت آن‌ها با شیخ بهایی روشن گردید.

منابع

- آذر، لطفعلی‌بیگ بن آقاخان بیگدلی شاملو (۱۳۴۰-۱۳۳۹). آتشکده. ج ۳. با تصحیح و تحسیله و تعلیق حسن سادات ناصری. تهران: امیرکبیر.
- آقابزرگ الطهرانی (۱۴۰۳ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعه. ج ۹ (بخش ۱). بیروت: دار الأضواء.
- ادhem خلخالی (۱۳۷۰). کدو مطبخ قلندری. به اهتمام احمد مجاهد. تهران: سروش.
- اسکندریبیگ ترکمان (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. ۳ ج. زیر نظر، با تنظیم فهرست‌ها و مقدمه ایرج افسار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرآۃ البلدان، ج ۱. با تصحیحات و حواشی و فهارس عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- امین‌احمد رازی (۱۳۷۸). تذکرة هفت اقلیم. ج ۲. تصحیح، تعلیقات و حواشی: سید محمد رضا طاهری. تهران: سروش.
- اوحدی حسینی دقائقی بیلیانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). ج ۸. عرفات العاشقین و عرصات العارفین. تصحیح ذیبح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر‌احمد. با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: میراث مکتب، با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بتکن، علی (۱۳۶۸). «ابراهیم اصفهانی». در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیرنظر سید محمدکاظم موسوی بجنوردی. تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۴۰۹-۴۱۰.
- بدآونی، عبدالقدار بن ملوک‌شاه (۱۳۷۹). منتخب التواریخ، ج ۳. به تصحیح مولوی احمدعلی صاحب. با مقدمه و اضافات توفیق ه. سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بشری، جواد (۱۳۸۶). «نگاهی به شرفنامه مَنْبَری (به مناسبت انتشار جلد نخست آن)». آینه پژوهش، س ۱۸، ش ۲ (پیاپی: ۱۰۴): ۷۸-۸۷.
- ——— (۱۳۹۳). « حاجی بابا قزوینی، برجسته‌ترین شاگرد شیخ بهایی ». در: مربزان فرهنگ، جشن‌نامه دانشور فرهنگیار حجه‌الاسلام و المسلمين دکتر سید محمود مرعشی. تهران: خانه کتاب؛ قم: کانون نویسندگان قم: ۵۸۵۰/۱-۶۰۶.

- یندرابن داس خوشگو (۱۳۸۹). سفينة خوشگو، دفتر دوم. تصحیح سیدکلیم اصغر. ویراستاری علمی: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بهاءالدین محمد بن حسین جبل عاملی (۱۲۹۶ق). کشکول. تصحیح نجم الدوله. طهران. چاپ سنگی (با رمز «کشکول س» در این پژوهش); نسخه خطی کتابخانه مجلس سنا، شماره ۷۳۷۶، مورخ ۱۰۵۸ق (با رمز «کشکول ۱»); نسخه شماره ۱۰۶۰ کتابخانه مجلس، مورخ ۱۳۳۳مشکو، سده یازدهم هجری (با رمز «کشکول ۲»); نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۴۵۸، مورخ ۱۰۶۵ق (با رمز «کشکول ۳»). معرف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۵۸، مورخ ۱۰۶۵ق (با رمز «کشکول ۴»).
- (بی‌تا). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهائی. مقدمه و شرح حال به قلم سعید نفیسی. ترجمه آیات، احادیث و لغات عربی از حسن طارمی. ویرایش و تصحیح علی کاتبی. تهران: چکامه.
- جواهری، غلامحسین (بی‌تا). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهاءالدین محمد العاملی مشهور به شیخ بهائی. تهران: کتابفروشی محمودی.
- حالتی ترکمان (قرن ۱۱ق). دیوان. نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۵-۲۳۱۷۵.
- الحز العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۵ق). امل الام، ج ۱. تحقیق: السید احمد الحسینی. بغداد: مکتبة الأندلس.
- خیامپور، ع. (۱۳۶۸). فرهنگ سخنواران، ج ۱. تهران: طلایه.
- (۱۳۷۲). فرهنگ سخنواران، ج ۲. تهران: طلایه.
- دانشپژوه، محمدنتی و بهاءالدین علمی انواری (۱۳۵۹). فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، ج ۲. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دیبرسیاقی، سید محمد (۱۳۷۵). فرهنگ‌های فارسی به فارسی و فارسی به زبان‌های دیگر و فرهنگ‌های موضوعی و گویش‌های محلی و فرهنگ‌گونه‌ها. چاپ دوم با اضافات. تهران: آرا.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره دستنوشت‌های ایران (دنا)، ج ۵. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شاهدی علی‌آباد، عباسعلی (۱۳۸۴). «فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی». آینه میراث. ش ۴-۳ .۳۶۰ - ۳۳۷ (پیاپی: ۳۱-۳۰).
- صادقی کتابدار [افشار] (۱۳۲۷). تذكرة مجمع الخواص. ترجمه عبدالرسول خیامپور. تبریز: چاپخانه اختر شمال.

- صدرایی خوبی، علی و ابوالفضل حافظیان بابلی (۱۳۸۳). فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه آستان حضرت مصوصه. قم: زائر.
 - صفا، ذیح الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵ (بخش ۱). تهران: فردوس.
 - صفری آقلعه، علی (۱۳۹۵). اشعار فارسی پراکنده در متون (تاسال ۷۰۰ هجری)، ج ۱. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
 - فاضل، محمود (۱۳۵۵). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج ۱. مشهد: دانشگاه فردوسی.
 - فکری، سید محمد جامه‌باف متخصص به فکری مشهور به میر رباعی (۱۳۸۹). رباعیات. به کوشش سید علی میرافضلی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 - قزوینی، حاجی بابا بن میرزا جان (۱۳۰۰ق). مشکول. ترجمة عبارات عربی از محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی. طهران: چاپ سنگی به دستور صنیع الدله.
 - کشکول (چهار نسخه خطی و چاپ سنگی «نجم الدله») ← بهاءالدین محمد بن حسین جبل عاملی.
 - گلچین معانی، احمد (۱۳۵۹). «میر رباعی و شیخ رباعی». در: فرخنده‌پیام، یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی. مشهد، دانشگاه مشهد: ۳۰۱-۲۸۸.
 - مشار، خانبابا (۱۳۵۰). فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۵. تهران: چاپخانه ارژنگ.
 - منزوی، احمد (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی.
-
- (۱۳۸۴). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (بخش کتابخانه).
 - منزوی، ع. (۱۳۳۲). فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوک به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
 - مهدوی، سید مصلح الدین (۱۳۸۶). اعلام اصفهان، ج ۱. تصحیح و تحقیق و اضافات غلام رضا نصرالله‌ی. اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل وابسته به شهرداری اصفهان.
 - میرافضلی، سید علی (۱۳۷۷). «ابوسعید ابوالخیر و رباعیات دوره صفوی». معارف. دوره ۱۵، ش ۳ (پیاپی: ۴۵): ۶۵-۴۲.
-
- (۱۳۹۹). «رباعیات ذیل خلاصه الاعمار». در: به یاد ایرج افشار، ج ۱. به کوشش جواد بشیری. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار [بدون شماره صفحه نهایی، زیر چاپ].
 - میرتقی‌الدین کاشانی (۱۳۸۴). خلاصه الاعمار و زبدة الافکار، بخش کاشان. به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهن‌مویی. تهران: میراث مکتب.

— (۱۳۸۶). خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، بخش اصفهان. به کوشش عبدالعلی

ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنومویی. تهران: میراث مکتوب.

— (۱۳۱۰ق). خلاصه الاشعار و زبدة الافکار. نسخه خطی کتابخانه ملک. شماره

.۴۰۷۸

— نجم رازی، نجم الدین ابوبکر بن محمد بن شاهاور بن انوشروان رازی معروف به دایه (۱۳۶۵).

مرصاد العباد. به اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

— نفیسی، سعید (۱۳۱۶). احوال و اشعار فارسی شیخ بهائی. طهران: کتابفروشی و چاپخانه اقبال.

— (۱۳۳۴). سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. طهران: کتابخانه شمس.

— نوشاهی، عارف (۱۳۶۵). فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش،

ج ۱. اسلامآباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

— (۱۳۶۹). فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش،

ج ۲. اسلامآباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

— (۱۳۸۱). مقالات عارف در زمینه ادبیات فارسی و نسخه‌شناسی، سی و سه گفتار،

【دفتر اول】. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

— (۱۳۸۶). مقالات عارف، دفتر دوم. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

— واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). خلد برین (ایران در روزگار صفویان). به کوشش میرهاشم

محمدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

— واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۸۴). تذکرة ریاض الشعرا، ۵ج. مقدمه، تصحیح و تحقیق:

سیدمحسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.

— (۱۳۹۱). تذکرة ریاض الشعرا، ۲ج. تصحیح، مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم

رادفر و گیتا اشیدری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

— ولی دشت‌بیاضی، مولانا محمد (۱۳۸۹). دیوان. تصحیح مرتضی چرمگی عمرانی. تهران:

اساطیر.

— هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان (۱۹۶۸م). تذکرة مخزن الغرائب، ج ۱. به اهتمام محمد

باقر. لاھور: یونیورسٹی اور نیشنل کالج.

— هدایت، رضاقلیخان (۱۳۳۶). مجمع الفصحا، ج ۱. به کوشش مظاہر مُصنّفا. تهران: مؤسسه

چاپ و انتشارات امیرکبیر.